من ایرانی هستم

دردسرهای هویت

قمر تکاوران

● در ایران به دنیا آمده بود. اینجا بزرگ شده بود، مدرسه و دانشگاه رفته بود. در این ۳۳ سال جایی جز ایران را ندیده بود. همه زندگی‌اش اینجا گذشته بود و خودش را متعلق به این خاک می‌دانست، اما ناگهان با تمام‌شدن دانشگاه گفته بودند باید از اینجا برود، چراکه ایرانی نیست. دیگر نمی‌توانست اقامت ایران را بگیرد. تا ۱۸ سالگی اقامت مادر گرفته بود، بعد از آن دانشجو شده بود و اقامت تحصیلی گرفته بود. دانشگاه که تمام شد، خوشحال بود که مهندس عمران شده است، اما ناگهان دید که دیگر دلیلی برای گرفتن اقامت ایران ندارد و نمی‌تواند اقامتش را تمدید کند.

حسین[1] برای زندگی در کنار خانواده‌اش باید ویزا می‌گرفت. حالا هربار باید به عراق می‌رفت و با گرفتن ویزای ایران، وارد کشور می‌شد. سه‌بار ویزایش را تمدید می‌کرد، اما تا چشم به‌هم می‌زد، ۹ ماه تمام شده بود و دوباره باید برای گرفتن ویزا از کشور خارج می‌شد. این ویزاگرفتن‌ها علاوه‌بر دردسرهای رفت‌وآمدش، فشار اقتصادی مضاعفی هم بود برای او که هنوز کار درست‌وحسابی نداشت. او خارجی به حساب می‌آمد؛ خارجی‌ای که به این راحتی‌ها نمی‌توانست کار کند.

پدر حسین به عشق امام و اسلام آمده بود که علیه کشور خودش بجنگد، اما حالا فرزندانش مجبور بودند در سختی زندگی کنند. پدر تابعیت ایران را نداشت، فرزندان هم. حسین طبق قانون ۸۵ درخواست تابعیت داده بود، اما چون یک‌سال موعد تمام شده بود، پرونده‌اش بایگانی شده و به او تابعیتی داده نشده بود. حالا اقامت نداشت، کار نداشت و حتی برای گرفتن گواهی‌نامه به او می‌گفتند باید ازدواج کند و بچه داشته باشد تا بتواند گواهی‌نامه بگیرد. با خودش می‌گفت با این وضعیت کارش، چطور ازدواج ممکن است. چرخه باطلی شده بود و همه‌چیز به تابعیتی که نداشت ختم می‌شد و او مجبور بود درجا بزند.

این مشکلات همین‌جا پایان نمی‌یافت. نمی‌دانست باید خودش را عراقی بداند یا ایرانی، چون نه اینجا او را ایرانی حساب می‌کردند و نه در عراق او را عراقی. اینجا که بود، او را متعلق به اینجا نمی‌دانستند و می‌گفتند عراقی است، چراکه پدرش عراقی است. هربار که به ایست بازرسی‌ای می‌خورد، باید توضیح می‌داد که چرا به تعدد ویزای ایران گرفته است. این مشکلات را آن‌طرف مرز هم داشت. در عراق هم همین وضعیت بود. او را عراقی نمی‌دانستند؛ کسی که مادر ایرانی دارد، در ایران به دنیا آمده و بزرگ شده که عراقی نیست. ایست بازرسی‌های عراق هم مشکوک می‌شدند که شاید پاسپورت عراق را جعل کرده است، آخر پاسپورت عراق در دست کسی بود که عراقی نبود و محل تولدش هم ایران بود.

[1] اسامی واقعی نیستند و برای فاش‌نشدن نام افراد، از اسامی مستعار استفاده شده است.

گردش چرخ روستا با اقامتگاه بوم‌گردی

محمدمهدی گوهری

زندگی و اقامت در یک خانه سنتی ایرانی تجربه‌ای دلنشین است که شاید اکثر ما از آن خاطره‌ای داشته یا شنیده باشیم. خانه‌هایی که در آن اصالت فرهنگ و سنت‌های قدیمی وجود دارد و با شرایط بومی هر منطقه نیز منطبق هستند. شهرنشینی، افزایش جمعیت و نیاز به ساخت خانه‌های بیشتر و کوچک‌تر در کم‌رونق‌شدن این خانه‌ها مؤثر بودند؛ اما در این میان اقامتگاه‌هایی وجود دارند که نام بوم‌گردی بر آنها گذاشته شده، اقامتگاه‌هایی که براساس معماری سنتی ایرانی بازسازی یا ساخته می‌شود. در سالیان اخیر روزبه‌روز به رونق و محبوبیت این اقامتگاه‌ها افزوده شده است. این اقامتگاه‌ها پا را فراتر از ایجاد یک تجربه دلنشین برای گردشگران گذاشتند و می‌کوشند فرهنگ بومی منطقه خود را حفظ و به گردشگران ارائه کنند و چرخ اقتصاد روستا را نیز بچرخانند.

این نکته که گردشگران در سفر به این اقامتگاه‌ها باید چه نکاتی را رعایت کنند تا سفری دلنشین‌تر داشته باشند و به فرهنگ مردم محلی آسیبی وارد نکنند، نکته‌ای است که کمتر به آن پرداخته شده. بر همین اساس و برای آشنایی بیشتر با اقامتگاه‌های بوم‌گردی و فرهنگ اقامت در آنها با افسانه احسانی، کارشناس و مدرس حوزه گردشگری، به گفت‌وگو نشستیم. او تجربه فراوانی در زمینه گردشگری روستایی و راه‌اندازی اقامتگاه‌های بوم‌گردی دارد.

ساده‌ترین تعریف از اقامتگاه بوم‌گردی چیست؟

ما باید در آغاز انواع اقامتگاه‌ها را مشخص کنیم تا هر اقامتگاهی را بوم‌گردی به حساب نیاوریم. الگوهایی که سال‌هاست اقامتگاه‌های بوم‌گردی شاخص که آغازگر این ماجرا در ایران بوده‌اند اجرا کرده و جا انداخته‌اند، می‌تواند تعریف و مشخصاتی برای شناخت این اقامتگاه‌ها باشد. ارائه غذا و نوشیدنی و موسیقی محلی از موسیقی همان منطقه، استفاده‌نکردن از ظرف‌های یک‌بارمصرف، پذیرایی با آداب بومی و محلی و دورهمی و به‌کارگرفتن معماری سنتی منطبق با معیارهای همان منطقه. از طرفی البته چون این اقامتگاه‌ها شروع‌کننده این فعالیت بودند دیگران نیز در نقاط دیگر ایران بدون ملاحظات بومی از آنها الگوبرداری می‌کردند؛ برای نمونه پوشش کاهگل متعلق به مرکز ایران است؛ اما متأسفانه در سفری که به جنوب ایران داشتم دقیقا همان کاهگل مرکز ایران را دیدم. درصورتی‌که کاهگل در جنوب ایران به‌صورتی متفاوت است. در طراحی یک اقامتگاه سنتی باید به سنت‌ها توجه کرد، در هیچ خانه سنتی گلیم به دیوار آویخته نمی‌شد، گل به‌صورت گلدان وجود داشت نه به صورت شاخه بریده. در قدیم از کوزه به‌عنوان یک وسیله کاربردی استفاده می‌کرده‌اند، اما ما در برخی اقامتگاه آن را به‌صورت یک وسیله تزئینی می‌بینیم. متأسفانه درحال‌حاضر در ایران منابعی که استاندارد برای اصول بوم‌گردی را ارائه بدهند، به‌طورکامل تدوین نشده است. در حدود یک دهه گذشته تلاش بر این بوده که این اقامتگاه‌ها وجود داشته باشند و مشروعیت پیدا کنند و مسائل آنها دیده شود، هنوز درباره اقامتگاه‌ها بحث‌های چالشی وجود دارد. اکنون فضای حاکم بر اقامتگاه‌ها کمی آرام شده و انجمن صنفی آنها کمتر از یک سال و بعد از تلاش‌های فراوان تشکیل شده است. این اتفاقات مثبت به‌تازگی صورت گرفته و ما در آینده شاهد همفکری‌ها و هم‌افزایی‌های بیشتری در اثر همفکری اقامتگاه‌ها با یکدیگر در قالب این انجمن خواهیم بود.

برای تأسیس یک اقامتگاه بوم‌گردی آیا باید یک خانه قدیمی آماده‌سازی شود یا می‌توان یک بنای جدید برای این منظور ساخت؟

وقتی شما قصد دارید به یک اقامتگاه بوم‌گردی امتیاز بدهید، اگر آن اقامتگاه بازسازی‌شده یک خانه قدیمی باشد، امتیاز بیشتری کسب خواهد کرد. یکی از دلایل این امتیاز بیشتر این است که شما در فرایند بازسازی از مصالح و مواد کمتری استفاده کرده‌اید. بازسازی یک خانه قدیمی در استانداردهای جهانی برای یک اکولوژ امتیاز مثبتی محسوب می‌شود.

نقش گردشگران در توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی چیست؟

گردشگر باید آگاهانه به این اقامتگاه‌ها سفر کند، باید بداند وقتی به یک اقامتگاه سنتی در جزیره قشم می‌رود تقاضای اجرای موسیقی سنتی کارون یا خراسان را نداشته باشد. متأسفانه در برخی مناطق، اقامتگاه‌ها برای جذب مشتری از سنت‌های بومی خود که هدفشان ارائه آنها است، فاصله می‌گیرند. نقش گردشگر در اقامتگاه‌های سنتی خیلی فراتر از صرف ایجاد چرخه مالی است، گردشگر می‌تواند با خواسته‌های عمیق و منطقی خود به ارتقای آن خانه کمک کند. گردشگرانی متأسفانه در بازدید از خانه‌های سنتی پیشنهادهای غیرکارشناسی ارائه می‌دهند و خانه سنتی نیز به مرور در راستای این پیشنهادها تغییر می‌کند. باید به گردشگر گفت اگر به یک خانه سنتی در دل کوه می‌روید، حتما نباید سرویس بهداشتی فرنگی داشته باشد و صرفا داشتن یک سرویس ایرانی تمیز می‌تواند کافی باشد. باید برای مسافر مشخص شود که اقامتگاه بوم‌گردی یک هتل نیست که تمام نیازهای شما به شکل عالی برآورده شود. مسافر باید یک مقدار از خواسته‌های خود بکاهد و به ارتقای اصولی آنها کمک کند. در یک اقامتگاه بوم‌گردی خانواده بومی در حال زندگی هستند، شما به آن سفر کرده‌اید تا با رسوم و سبک زندگی آنها آشنا شوید نه اینکه سبک زندگی خود را به آنها دیکته کنید. مسافر باید با آمادگی به اقامتگاه بوم‌گردی سفر کند.

خرید صنایع دستی می‌تواند یکی از راه‌های کمک به این اقامتگاه باشد. آیا نکته‌ای در این زمینه وجود دارد که باید رعایت شود؟

گردشگران باید دقت کنند در هر منطقه صنایع دستی همان منطقه را خرید کنند؛ مثلا وقتی به گیلان سفر می‌کنید، صنایع دستی گیلان را خرید کنید. اگر می‌بینید صنایع دستی چینی یا متعلق به مکان‌های دیگر وجود دارد، آن را خریداری نکنید. شما با این کار هم به فرهنگ آن منطقه و هم به تولیدکنندگان صنایع دستی آن منطقه کمک کرده‌اید.از اقامتگاه‌ها محصولاتی را بخواهید که متعلق به همان منطقه است و مطمئن شوید که شما با خریدتان به اقتصاد آن منطقه کمک می‌کنید. گردشگر باید به ظروف دقت کند. باید به دکوراسیون و تزئینات دقت کند. دیدن پته‌دوزی کرمان در گیلان اتفاق خوبی نیست؛ چون خود گیلان هنرهای بسیار زیبایی برای تزئین خانه با استفاده از آنها در اقامتگاه‌های سنتی دارد.

به نظر شما اقامتگاه بوم‌گردی برای چه مسافرانی مناسب است؟

من اقامتگاه بوم‌گردی را به گردشگرانی که فقط درپی یک اقامت صرف هستند و علاقه‌ای به درگیرشدن در فرهنگ بومی منطقه را ندارند، پیشنهاد نمی‌کنم. این گردشگران می‌توانند از هتل یا خانه‌های اجاره‌ای استفاده کنند تا سفری مناسب‌تر داشته باشند. من اقامتگاه بوم‌گردی را به گردشگرانی که دنبال تجربه‌ای جدید در سفر خود هستند، پیشنهاد می‌کنم؛ گردشگرانی که هدفی فراتر از صرف گذراندن لحظاتی شاد دارند و به‌دنبال آشنایی با یک سبک جدید زندگی به‌دور از هیاهوی شهری هستند. در اکوتوریسم، گردشگر خود را برای سفری مسئولانه در منطقه‌ای خاص آماده می‌کند. من باید از لحاظ فرهنگی و اجتماعی آماده بشوم تا به یک منطقه سفر کنم، باید با خودم کنار بیایم که اگر به یک اقامتگاه بوم‌گردی می‌روم، آنجا تختخواب وجود ندارد یا ممکن است به خاطر نوع خانواده تعداد بچه‌ها زیاد باشد و سروصدا زیاد وجود داشته باشد، من باید با این آمادگی ذهنی به آنجا سفر کنم. برای مثال من چندوقت پیش در اقامتگاهی در قشم بودم. دو گردشگر آلمانی آنجا بودند، ساعت ۱۰ شب بود و بچه‌ها با سروصدای فراوان در فضای خانه در حال بازی بودند و این دو مسافر آلمانی که تابه‌حال این‌همه بچه را یکجا ندیده بودند، از دیدن این صحنه بسیار خوشحال و هیجان‌زده بودند، من از آنها دلیل حال بسیار خوبشان را پرسیدم و آنها از علاقه خود به ایران و تجربه‌کردن اتفاقات جدید مانند دیدن همین بازی بچه‌ها برای من گفتند. این ممکن است در شرایطی که مسافر بسیار خسته است، صدق نکند اما این مسافر خود را کاملا آماده مواجهه با اتفاقات جدید کرده و درباره کلیات اتفاقاتی که قرار است رخ بدهد مطالعه کرده است. در مقابل نیز آن اقامتگاه باید حرفه‌ای عمل کند. متوجه باشد که یک زندگی واقعی را به میهمان ارائه بدهد نه اینکه یک خدمات ضعیف به این بهانه ارائه بدهد. همچنین باید صاحب اقامتگاه به حریم شخصی و آرامش گردشگران احترام بگذارد و در راستای تأمین آن تلاش لازم را انجام دهد تا شاهد یک رابطه مثبت و خوشایند برای هر دو طرف باشیم.

مزایای یک اقامتگاه سنتی نسبت به یک هتل چیست؟

اگر یک اقامتگاه شاخص‌های واقعی را داشته باشد، شما تجربه زندگی در اقلیم جدید همراه با مردم بومی را خواهید داشت. شما می‌توانید به کوچه‌های روستا بروید و با مردم معاشرت کنید. در برخی از اقامتگاه‌ها مردم بومی در ساعاتی برای عرضه محصولات سنتی خود به داخل خانه‌های پذیرای مسافران می‌آیند یا برخی غذاهای محلی طبخ می‌کنند و گردشگر می‌تواند نحوه آماده‌سازی این غذاها را یاد بگیرد. این اتفاقات امکان معاشرت بیشتر و آشنایی با صنایع دستی آنها را برای میهمان‌ها ایجاد می‌کند. همچنین شما می‌توانید در تجربه کشت و برداشت همراه روستاییان باشید و لذت کشت‌وکار را تجربه کنید و بوی خاک را حس کنید ولی در هتل شما امکانات مدرنی را می‌بینید که تا حدی در زندگی خود نیز آنها را دارید؛ البته هتل‌ها نیز مزایای خود را دارند و من در برخی از سفرهای خودم از هتل برای اقامت استفاده می‌کنم.

درحال‌حاضر استقبال گردشگران ایرانی اقامتگاه‌های سنتی و بوم‌گردی چگونه است؟

آمار دقیقی دراین‌باره ندارم؛ اما در مقایسه با گذشته می‌توان گفت پیشرفت داشته‌ایم. در گذشته اقامتگاه‌های بوم‌گردی برای گردشگران بسیار ناشناخته بودند؛ اما اکنون گردشگران زیادی آنها را می‌شناسند و تمایل به اقامت در آنها دارند. این تمایل گردشگران باعث شده است بسیاری از افراد به دنبال راه‌اندازی اقامتگاه‌های بوم‌گردی باشند.

چه کسانی دست به احداث اقامتگاه بوم‌گردی می‌زنند؟

من در پژوهشی که برای پایان‌نامه دانشگاه انجام دادم و در آن با صاحبان اقامتگاه، گردشگران و جامعه محلی گفت‌وگو کردم، متوجه شدم که اکثر صاحبان اقامتگاه‌های بوم‌گردی به خاطر علاقه خودشان وارد این فعالیت شدند؛ برای اینکه بتوانند رنگ‌وبوی گذشته را حفظ و آن را به مسافران یادآوری کنند. بسیاری از افراد مسافر این خانه‌ها شدند و با نگاه صرفا اقتصادی به این اقامتگاه‌ها برخورد کردند که این خانه‌ها کسب درآمد خوبی دارند. این افراد وام گرفته و وارد این عرصه شدند و از زمانی که با این نگاه اقامتگاه‌های بوم‌گردی شروع به احداث شد، متأسفانه اتفاقات ناخوشایندی در این عرصه رخ داد؛ یعنی پذیرایی از گردشگر فقط به خاطر پول انجام می‌شود. پول چیز بدی نیست؛ اما اینکه تنها هدف کسب درآمد باشد، درباره اقامتگاه‌های بوم‌گردی چیز خوبی نیست. در اقامتگاه بوم‌گردی کسب درآمد باید در راستای حفظ فرهنگ باشد؛ یعنی هزینه‌ای که از حضور گردشگر در اقامتگاه بوم‌گردی به دست می‌آید، باید هزینه روستا شود.

درآمد اقامتگاه بوم‌گردی برای یک خانواده روستایی کفایت می‌کند؟

درآمد یک اقامتگاه بوم‌گردی را جایگزینی برای یک خانواده روستایی نمی‌دانیم؛ بلکه آن را مکملی برای درآمد آنها می‌دانیم. اگر خانه برای خود صاحب اقامتگاه باشد و توقع کمی از لحاظ مالی داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان درآمد اصلی روی آن حساب کرد. ما اقامتگاه‌های زیادی داریم که درآمد حاصل از حضور گردشگر برای آنها کفاف خرج زندگی را می‌دهد.

در برخی موارد از واژه اکولوژ برای اقامتگاه‌های بوم‌گردی استفاده می‌شود. دراین‌باره توضیح بدهید.

اکولوژ به اقامتگاه‌های بوم‌گردی اطلاق می‌شود که مسائل محیط‌زیستی در آنها بسیار رعایت شود. به عبارت دیگر اکولوژها از لحاظ مسائل محیط‌زیستی یک مرحله بالاتر از اقامتگاه‌های بوم‌گردی هستند.

آیا اقامتگاه‌های بوم‌گردی فقط در روستاها باید وجود داشته باشند؟

به نظر من همان‌طور که از اسم اقامتگاه بوم‌گردی برمی‌آید، باید در یک بوم و روستا باشد. اقامتگاه‌های سنتی که در شهرها وجود دارند؛ همانند اقامتگاه‌هایی که در یزد وجود دارند، باید نام‌های دیگری بر آنها اطلاق شود.

به نظرتان اقامت گردشگر در اقامتگاه بوم‌گردی در روستاها چه اثرات و مزایایی دارد؟

درحال‌حاضر نقدهایی به اقامتگاه‌های بوم‌گردی وجود دارد؛ اما من با تمام نقص‌هایی که این اقامتگاه‌ها می‌توانند داشته باشند، طرفدار آنها هستم؛ چون وقتی افراد با هر سطح اجتماعی به آنجا می‌روند، تجربه جدید کسب می‌کنند و در درجه اول یک ارتباط بین افراد و هویت ایرانی ایجاد می‌شود. متأسفانه بچه‌های شهرنشین بسیار با مختصات زندگی روستایی، چه معماری و صنایع دستی و خوراکی و چه سبک زندگی غریبه هستند. به طور مثال چشم کودکان ما با عروسک‌های بومی بسیار ناآشنا است. دیدن این عروسک‌ها در اقامتگاه‌ها می‌تواند چشم بچه‌های ما را با آنها آشنا کند و در علاقه‌مندشدن آنها به این‌گونه اشیا تقویت کند. اقامتگاه‌های بوم‌گردی می‌تواند باعث احیای فرهنگ و معماری سنتی ما شود. خانه‌های ما از معماری سنتی ایرانی بسیار فاصله دارند. ما در معماری از سبک همه کشورها استفاده می‌کنیم. بوم‌گردی می‌تواند باعث احیای معماری سنتی ما شود.

نگاه

نارسایی‌های قانون اهدای جنین به زوجین نابارور

مهسا خوش‌اخلاق . پژوهشگر حقوق پزشکی

● یکی از روش‌های کمک باروری که در حقوق ایران به‌صراحت کلام قانون‌گذار برای فرزنددارشدن زوجین نابارور وجهه قانونی نیز یافته است، اهدا یا انتقال جنین است.

اهدای جنین عبارت است از: واگذاری داوطلبانه و رایگان یک یا چند جنین از زوجین واجد شرایط، به مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری برای انتقال به زوج‌های متقاضی دارای شرایط مندرج در قانون. بنابراین در حقوق ایران طبق قانون فعلی فقط جنین‌هایی انتقال‌دادنی هستند که از نطفه زوجین قانونی و شرعی ایجاد شده باشند و اهدای جنین باید با موافقت و رضایت کتبی زوج‌های اهداکننده و در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری، با احراز هویت آنان و به صورت کاملا محرمانه انجام گیرد.

با وجود قدم بزرگی که قانون‌گذار درباره تصویب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور در سال ۱۳۸۲ برداشته است، مختصر و اجمالی‌بودن این قانون و سکوت قانون‌گذار درباره برخی از مسائل کلیدی مانند نسب، ولایت قهری و ارث کودک از نواقص این قانون و نشان از شتاب‌زدگی قانون‌گذار در تصویب این قانون است. این قانون مانند قوانین کشورهای پیشرفته پاسخ‌گوی حدود و ثغور حاکم بر نهاد اهدای جنین نیست. قانون‌گذار درباره نسب و آثار آن سکوت کرده است و تنها تکالیفی ازجمله نفقه، نگهداری، تربیت و احترام را برای گیرندگان جنین قائل شده است. درحالی‌که کودک نباید از جهت رابطه نسبی سرگردان بماند؛ زیرا علاوه بر محرومیت از حقوق خود، دچار لطمات روحی و روانی نیز می‌شود. همچنین نمی‌توان نسب و آثار ناشی از آن را برعهده اهداکنندگان جنین قرار داد؛ زیرا آنان به‌هیچ‌وجه قصد نداشته‌اند صاحب فرزندی شوند تا به تبع آن تکالیفی برعهده بگیرند؛ بلکه با قصد کمک به زوجین نابارور، جنین حاصل از نطفه خود را به مؤسسات درمان ناباروری به صورت کاملا رایگان و بدون آنکه از انجام آن به دنبال نفعی برده باشند، واگذار کرده‌اند تا در راستای همگام‌شدن با هدف قانون‌گذار در بخشیدن نعمت فرزند به زوجین نابارور بلاعوض مساعدت کرده باشند.

و چه‌بسا اگر در الحاق طفل به صاحبان جنین پافشاری شود، دیگر هیچ شخصی حاضر به اهدای جنین نشود؛ بنابراین ازآنجایی‌که اهداکنندگان بدون اراده فرزنددارشدن و صرفا با هدف کمک به زوجین نابارور جنینی را اهدا می‌کنند، انتساب طفل به آنها و به تبع آن تحمیل‌کردن تکالیف والدین برعهده آنها به دور از منطق حاکم بر نهاد اهدای جنین است و مطلوب آن است که طفل به کسانی ملحق شود و اشخاصی مکلف به تأمین و تضمین حقوق او باشند که خواهان او بوده‌اند و رابطه پدرومادری و فرزندی را صریحا یا ضمنا پذیرفته‌اند و حل مسئله نسب نیازمند اجتهاد جدید در راستای حل مشکل فقهی و شرعی است؛ زیرا تحمیل الحاق طفل به اهداکنندگان با آثاری که به این الحاق مترتب است، با خواست آنان و مصلحت طفل و خانواده و مصالح اجتماعی سازگار نیست و نمی‌توان نهاد خانواده را دائما در معرض تزلزل و دخالت افراد خارج از خانواده قرار داد.

ادامه در صفحه ۱۳

جدول ۳۴۴۸ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- عبادت‌کننده- پندار- از اجزای ساعت ۲- واحد اندازه‌گیری سطح- هشتم- پایتخت ایتالیا ۳- رمانی اجتماعی نوشته علی موذنی ۴- از پیامبران بنی‌اسرائیل- چهره- جوش صورت ۵- گیاه تالاب- باقی‌مانده- عددی دورقمی ۶- خویشاوند- حالت گازی آب- اصل هر چیز ۷- زیر پای مادران است- تیغ موکت‌بری- سرخ مایل به قهوه‌ای ۸- نامبارکی- خیالی ۹- فراخوانده شده- نوعی طرح لباس زنانه- افسانه‌گوی ۱۰- قدم یکپا- شکرگزار- تلاش و مبارزه برای ادامه زندگی ۱۱- پایتخت اریتره- اثرگذار- قسمتی از پا ۱۲- بیش- سخنوران- روحانی یهودی ۱۳- مورخ و جغرافی‌دان عهد مغول و صاحب کتاب تاریخ گزیده ۱۴- درخت زبان گنجشک- ورقه فلزی بسیار نازک- راسو ۱۵- انسان‌بودن- پیامبری در شکم ماهی- آلبومی با آواز سالار عقیلی.

عمودی:

۱- نام پدر حضرت موسی(ع)- سر بریده- مضمون ۲- نشانه جمع مونث عربی- جای بند در کمر شلوار- محتاج ۳- در بیان علت به کار می‌رود- غریبه نیست- منفعت ۴- پایین شلوار- یکپارچه و هماهنگ- انکارکننده ۵- صداقت- حلقه توزیع بار پیچ و مهره- کویر مرکزی ایران ۶- کافر و ملحد- نوعی دستگاه مخابراتی- ساکنان محله ۷- از خلفای عباسی- کرم شب‌تاب- پایتخت هند ۸- چیز ارزشمندی که به دیگری بخشیده شود- بنای دیدنی استان کرمان ۹- فداکردن- توده غله دروشده- گلی زیبا و خوشبو ۱۰- پایان- نویسنده فرانسوی اثر کاندید- شهر فردوسی ۱۱- طول زندگی- چاق- مریض ۱۲- شهری در استان قم- چند رئیس- بزرگوار ۱۳- گریستن- اسباب نزدیکی به خدا- گستاخ ۱۴- نگاه دقیق- چو حل گشت آسان شود- نت سوم ۱۵- سوره صد و چهارم قرآن- افسار- سردار شهید دهلاویه.

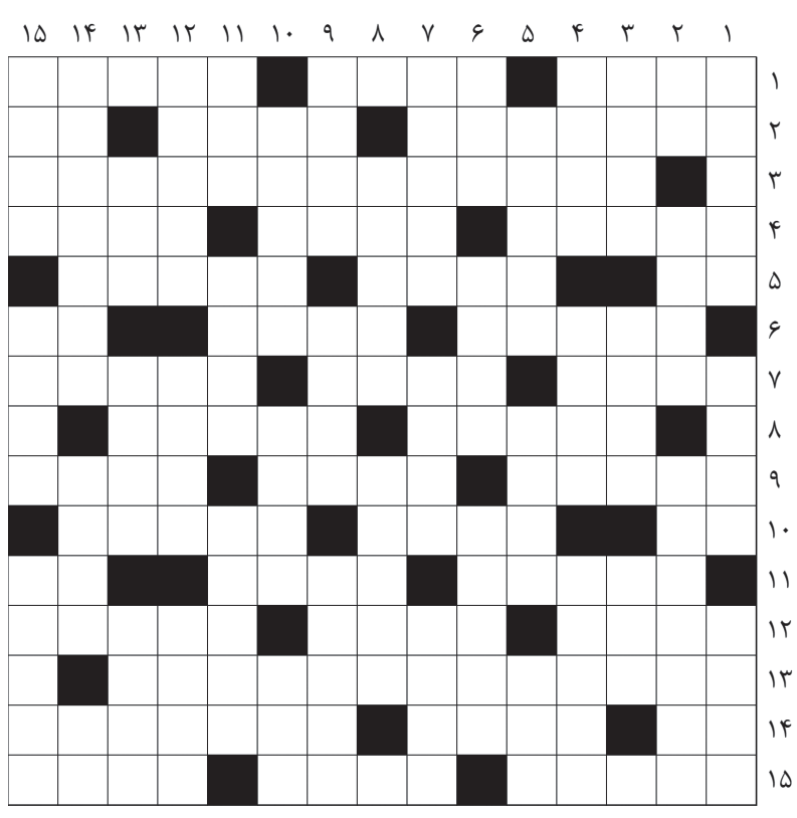

حل سودوکو سخت

۴	۸	۱	۳	۹	۵	۶	۷	۲
۹	۶	۳	۲	۱	۷	۴	۸	۵
۷	۵	۲	۴	۶	۸	۹	۳	۱
۱	۲	۴	۶	۸	۳	۷	۵	۹
۳	۷	۶	۹	۵	۴	۲	۱	۸
۸	۹	۵	۱	۷	۲	۳	۶	۴
۶	۳	۹	۸	۲	۱	۵	۴	۷
۲	۱	۷	۵	۴	۶	۸	۹	۳
۵	۴	۸	۷	۳	۹	۱	۲	۶

حل سودوکو ۲۴۴۳

۶	۴	۲	۵	۸	۱	۳	۷	۹
۹	۸	۱	۷	۴	۳	۲	۵	۶
۵	۳	۷	۹	۲	۶	۱	۴	۸
۱	۶	۴	۲	۳	۷	۸	۹	۵
۳	۵	۹	۸	۶	۴	۷	۱	۲
۷	۲	۸	۱	۹	۵	۴	۶	۳
۲	۱	۳	۴	۵	۹	۶	۸	۷
۸	۷	۵	۶	۱	۲	۹	۳	۴
۴	۹	۶	۳	۷	۸	۵	۲	۱

جدول ۳۴۴۷

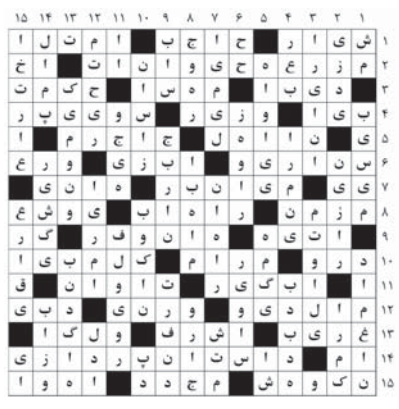

سودوکو سخت ۲۴۴۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

					۶	۲		
	۵		۲	۷			۳	
	۴	۲						۸
		۱		۸				۳
			۷	۱	۳			
۳				۲		۸		
۲						۶	۴	
	۶			۴	۱		۸	
		۴	۹					

سودوکو ساده ۲۴۴۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵				۸	۷		۹	۴
	۳		۹					
	۹	۷			۵	۸		۳
	۷	۸						
		۹		۲		۳		
						۲	۷	
۴		۱	۶			۷	۳	
					۴		۱	
۷	۸		۲	۱				۹